

تولید علم در گستره دانش و پژوهش

بازخوانی دیدگاه بزرگان در باب پژوهش (بخش دوم)

اشاره

پژوهش، واژه‌ای بیگانه برای فضلا و طلاب حوزه‌های علمیه نیست که نیاز به توضیح و تفسیر داشته باشد. اندک تأملی در مفهوم آن، هر صاحب اندیشه‌ای را به تصدیق وامی‌دارد و ضرورت آن را به‌خصوص در فضای علمی حوزه که متولی جریان‌سازی صحیح دانش و پاسخ‌گویی به پرسش‌های بی‌شمار با توجه به مقتضیات زمان است، آشکار می‌گرداند. در این راستا، زاویه نگاه اندیشوران و بزرگان عرصه علم و تحقیق، بیش از هر سخنی می‌تواند یاری‌رسان اهالی قلم و همچنین نوقلمان گردد. بر این اساس، در این بخش که به بررسی و واخوانی دیدگاه علما و فضلاء برجسته حوزوی اختصاص دارد، با نظرگاه سه تن از متفکران و صاحب نظران عرصه پژوهش آشنا می‌شویم. پژوهش کارآمد و استعداد علمی، ضرورت هم‌دوشی آموزش و پژوهش و نیز آسیب‌شناسی تحقیق در حوزه علمیه، عناوین مباحثی هستند که با توجه به آراء و نظرات حضرت آیات جوادى آملی، مکارم شیرازی و مصباح یزدی، مورد بازخوانی قرار می‌گیرند.

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی

هم‌دوشی آموزش و پژوهش

زالال دانش از دو سرچشمه آموزش و پژوهش می‌جوشد. در قرآن هم بر این دو امر اشاره و توصیه شده است: فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (نحل: 43) وَ إِنْ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ (آل عمران: 190) می‌بینیم که قرآن، انسان را به پژوهش و به کار گرفتن اندیشه و هم چنین یادگیری از استاد، در توحید و خداشناسی و مسایل دیگر فرامی‌خواند. پیش‌تر، پژوهش هرچند به صورت کم‌رنگ‌تر، در حوزه‌ها بوده است. ما دو گونه مباحثه داشتیم: یکی، مباحثه سنتی بود که پس از آن که درسی را پیش استاد می‌خواندیم، با هم به مباحثه آن می‌پرداختیم که به آن، مباحثه عرفی می‌گفتند. دیگری، مباحثه شرکتی بود که به نام بنیان‌گزارش، مباحثه کمپانی معروف شده بود و در آن بدون آن که درس استادی مطرح باشد، مسئله‌ای طرح و محور پژوهش جمعی واقع می‌شد و طلبه‌ها پس از مطالعه درباره آن موضوع، گرد هم می‌نشستند و آن را به مباحثه می‌گذاشتند. ما خود، در طول تحصیلاتمان، این شیوه را در موضوعاتی؛ چون تفسیر و فقه تجربه کرده‌ایم. اما امروز این شیوه‌ها، نیاز ما را پاسخ نمی‌گویند و پژوهش باید در حوزه به صورت برنامه‌ریزی شده دربیاید.

امروز به نظر من، نه به تنهایی و بدون حضور استاد، پژوهش کردن، ما را مستغنی می‌کند و نه این که کاملاً به استاد متکی باشیم و پای درس استاد بنشینیم و هر چه او می‌گوید، بنویسیم و بگوییم همان درست است؛ چنین شخصی مانند شناآموزی است که همیشه در استخر، دستش را گرفته‌اند و در نتیجه، هرگز شنا یاد نگرفته است. باید پژوهشگر، خود به‌طور مستقل کار کند. البته این بدان معنا نیست که پژوهشگر کاملاً از استاد فاصله بگیرد، بلکه باید زیر نظر استادی که راهنما و راه‌گشای او باشد، کار کند؛ مانند همان شیوه‌ای که در پایان‌نامه‌ها اعمال می‌شود. البته من می‌پذیرم که در حوزه به پژوهش، کمتر از آموزش ارزش می‌دهند؛ اما معتقد نیستم که حوزه باید یک‌سره پژوهش محور باشد؛ چون بدون حضور و راهنمایی اساتید قوی و فاضل، ممکن است دانش‌پژوهان در عرصه‌های علمی به انحراف کشیده شوند و به این سو و آن سو گرایش پیدا کنند و به نظریات شاذی برسند و در مجموع، هرج و مرج علمی بر فضای حوزه حاکم شود. پژوهش‌ها باید در سایه حضور علمی و اساتید راهنما باشد. اما اگر افراد به پژوهش بدون راهنمایی اساتید مبرز و توانا روی آورند، مفاسدی را در پی خواهد داشت.

در مجموع، باید پذیرفت که جایگاه پژوهش در حوزه، پایین‌تر از آموزش است... می‌توان گفت نظام آموزشی حوزه بالذات، آموزش محور است. البته به تازگی کارهایی برای پررنگ کردن پژوهش در حوزه انجام شده و الزاماتی برای طلاب در نظر گرفته شده که آن‌ها را وادار به پژوهش و نوشتن کتاب و پایان‌نامه می‌کند. این‌ها خوب است ولی نباید به این حد بسنده کرد و باید برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تری برای آینده داشته باشیم.

این نکته را هم بیفزایم که چنین نیست که نظام آموزشی ما به طور کامل، متکی به حافظه باشد. یکی از رسم‌هایی که همیشه در جلسات درسی ما بوده، همان اشکالاتی است که شاگردان در اثنای درس به گفته‌های استاد وارد می‌سازند. این پرسش و پاسخ و برخورد اندیشه‌ها، در حقیقت، نوعی فعالیت پژوهشی میان استاد و شاگرد است. هنگامی که طلبه‌ای پای درس استادی می‌نشیند، با تکیه بر هوش و فعالیت ذهنی خود، با دقت به سخنان استاد گوش فرامی‌دهد تا اگر به نکته دارای اشکالی برخورد کرد، تذکر دهد و هنگامی که اشکالی را مطرح می‌کند، از قوای ذهنی و استعداد فکری حوزه، بهره می‌گیرد، و هم‌چنین است استاد، زمانی که اشکال شاگرد خود را دفع می‌کند و با او به مناظره می‌پردازد. مباحثه میان طلاب نیز فعالیتی علمی است که در آن، هوش و استعداد علمی فرد به کار گرفته می‌شود (پیام حوزه، شماره. 5: 38).

آیت‌الله العظمی جوادی آملی

پژوهش کارآمد و استعداد علمی

همان‌طوری که آغاز و انجام ساحت تکوین را مظاهر اسمای حسنی پروردگار تشکیل می‌دهد، صدر و ساقه صحنه صحیفه الهی؛ یعنی قرآن حکیم را تعریف اسماء و تبیین صفات خداوند تأمین می‌نماید. آنچه در آغاز سوره مبارکه بقره که طلعه این کتاب مهیمن بر سایر کتاب‌های آسمانی قرار گرفته است، واقع شد، ظهور خداوند در تعلیم اسمای حسنا و بروز انسان کامل و به تعبیر دیگر، مقام منبع انسانیت، برای تعلم و حضور فرشتگان در صف نبأیابی [خبریابی] و نه تعلم درباره آن اسماء است تا قلمرو تدوین، همتای عرصه تکوین با نام‌های مبارک تنها نام‌آور نظام هستی؛ یعنی آفریدگار عالم و آدم و پیوند آن‌ها مزین گردد؛ لذا مطالب قرآن کریم یا مصدر به نامی از نام‌های جمال و جلال الهی است و یا مُذیل به آن و هر اسمی، ضامن مضمون آیه خواهد بود که با تقریب فنی، حد اوسط برهان بر مطلب همان آیه می‌باشد. بنابراین، پژوهشی کارآمد است که

مسبق به معرفت اسمای حسناي خدا و مصبوغ به تأثیر آن‌ها به عنوان مفاتیح غیب در پیدایش و پرورش اشیاء باشد (پیام به همایش ملی و پژوهشی روش‌ها و مکاتب تفسیری، 25/8/1388؛ منبع: تارنمای مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی اسراء به نشانی Javadi.esra.ir، دسترسی در تاریخ 2/7/1393).

انسان در برابر هر نعمتی، مسئول است. در قیامت درباره استعداد علمی که خداوند به یک ملت داده است، از آن ملت سؤال می‌شود که این استعداد را در کجا و در چه راهی صرف کرده‌ای؟ اساس مباحث علمی حوزه‌های علمی؛ مانند کتب اربعه، محصول کار محققین و پژوهشگران ایرانی است که در آسمان علم و فقاقت، هم‌چون ستارگان فروزان می‌درخشند. در کنار این استعداد خداداد، بحمدالله دست محققین ما از نظر منبع نیز پُر است، بر خلاف تحقیقات علمی غرب که سبقه علمی ندارد؛ چراکه آن‌ها منبع یعنی کتاب و سنت را در اختیار ندارند. اجماع اگر حجت باشد، زیرمجموعه سنت است و نه در کنار و هم‌تراز با سنت که متأسفانه برخی با بی‌توجهی به جایگاه رفیع عقل، به اجماع توجه دارند؛ در حالی که باید عقل را شکوفا ساخت تا مانند یک چراغ، مسیر علم را روشن سازد.

اگر حوزه اثبات کند که علم اگر علم است، غیردینی نخواهد بود و محال است که علم غیردینی داشته باشیم، وحدت حوزه و دانشگاه محقق خواهد شد؛ زیرا همان‌گونه که در حوزه‌های علمی، قول خداوند مورد بررسی قرار می‌گیرد، در دانشگاه نیز به بررسی فعل خداوند می‌پردازند. ما اساساً علم غیردینی نداریم. تمایز علوم و تمایز روش‌ها به تمایز موضوعات است؛ لذا اگر موضوع دینی بود، علم دینی می‌شود و روش هم دینی می‌شود. ولی اگر موضوع غیردینی شد، روش هم غیردینی می‌شود. شخص کافری که از امام معصوم، سخن نقل می‌کند، حرف اسلامی می‌زند، گرچه خود مسلمان نیست؛ لذا می‌توانیم عالم غیرمسلمانی داشته باشیم که علم اسلامی تولید می‌کند و برعکس آن نیز ممکن است (بیانات معظم‌له در دیدار تعدادی از پژوهشگران حوزوی هم‌زمان با روز ملی پژوهش، 26/9/1392؛ منبع: تارنمای مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی اسراء به نشانی Javadi.esra.ir، دسترسی در تاریخ 2/7/1393).

آیت‌الله مصباح یزدی

آسیب‌شناسی تحقیق در حوزه علمیه

اهمیت تحقیق در علوم اسلامی: اهمیت تحقیق وقتی روشن می‌شود که صرف‌نظر از مسایل فردی و نیازهای شخصی خود به کتاب و سنت، به مسایل اجتماعی و اختلاف مکتب‌ها و مسلک‌ها نیز توجه کنیم. در این عصر که همه عالم، بسان يك خانه شده است و هر صدایی که در هر نقطه، ایجاد و هر نظری که اظهار شود، در تمام نقاط منعکس می‌شود و امواج فکری که در گوشه و کنار دنیا، از سوی هر فرد با هر مسلک و مذهبی، ارائه می‌شود، دیر یا زود در تمام دنیا منتشر می‌گردد و این امواج به همه مردم می‌رسد و در مطبوعات و نشریات و حتی سخنرانی‌های مذهبی نیز اثر می‌گذارد و افرادی آگاهانه یا ناآگاهانه تحت‌تأثیر این گونه امواج فکری قرار می‌گیرند، به دلیل این که همه این امواج فکری، صحیح نیست و انسان را به ساحل امن رهبری نمی‌کند، اگر آمادگی کافی برای دفاع از خود و مکتب‌ها را نداشته باشیم، تحت‌تأثیر واقع شده و در دریایی از ضلالت و گمراهی غرق می‌شویم...

توجه به ضرورت این مسئله، تحصیل علوم دینی را در دو جهت ایجاب می‌کند:

1- در جهت شناخت صحیح اسلام تا در اثر تبلیغات دشمن، به جای اسلام ناب، از اسلام انحرافی پیروی نکنیم و اسلام را به معنای صحیح، از مدارک صحیح و سرچشمه زلال آن، بشناسیم و دچار انحراف و التقاط نشویم.

2- از جهت دیگر نباید تنها به این شناخت اکتفاء کنیم، بلکه باید افکار غلطی را که با آن‌ها مواجه می‌شویم، درست بشناسیم و راه پاسخ‌گویی به آن‌ها را نیز بیاموزیم؛ زیرا هنگامی که شبهات گمراه‌کننده با آب و رنگ علمی و زرق و برق فریبنده ارائه می‌شود، بسیاری از افراد را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، مگر این‌که پاسخ‌های منطقی و قانع‌کننده‌ای در اختیارشان قرار گیرد...

مشکل تکیروی در حوزه: به‌طور کلی، تکیروی و تک‌اندیشی و به دنبال آن خودمحوری، یکی از مشکلات جامعه ما به حساب می‌آید. افراد، به‌سختی می‌توانند با هم تفاهم، هم‌فکری و همکاری داشته باشند. عیب روحانیون، این است که وقتی درس خود را خواندند، تک‌تک فکر می‌کنند؛ در حالی که اگر جمعی فکر کنیم، بسیار پسندیده‌تر و سودمندتر است. از خطرات تکیروی، کثرت اختلاف و فاصله گرفتن روحانان از هم دیگر است که زیان‌ها و خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به بار می‌آورد. این، تربیت خاصی است که با وجود محاسنی که دارد، اما افراط و مبالغه در آن، عیوبی را نیز به بار آورده است که هر روز، شاهد و ناظر آن هستیم. این مسئله، اساس هرگونه همکاری، نظم و تشکل را بر هم می‌زند و با وجود آن، هیچ‌امیدی به پیشرفت نیست [...] بهترین راه، برای موفقیت، کار گروهی است. همکاری افراد با یکدیگر، موجب مضاعف شدن نیروی آن‌ها می‌شود و با زیاده‌تر شدن تعداد افراد، نیروها به صورت تصاعدي افزایش می‌یابد. منفعت همکاری اجتماعی و استفاده از سایر نیروها، بیش از منفعتی است که از کار فردی به دست می‌آید. بنابراین برای حفظ آن منفعت و به دست آوردن مصلحت کلی، باید از نظر و عقیده خود صرف‌نظر کنیم؛ اگر چه این گذشت با روح طبیعی هیچ انسانی، سازگار نیست و هر انسانی، استقلال‌طلب است و تصور می‌کند که هر چه خود می‌گوید، درست است...

لزوم شهامت در تحقیق: در کار تحقیقی نباید هیچ‌گونه استیحا‌شی وجود داشته باشد. اگر فصلی، تهیه و نوشته شد، سپس مجبور به تعویض همه آن شدیم، نباید ناراحت شویم. اغلب کارهای ارزشمند، همیشه از سوی افرادی عرضه شده است که چنین شهامتی را در نوشتن داشته‌اند. ممکن است محقق، مطلبی را بنویسد و پس از مدتی، رأی بهتر و دقت نظر بیشتری پیدا کند. چنان‌چه شهامت لازم برای جایگزین کردن مطلب صحیح‌تر و بهتر، وجود نداشته باشد، هیچ‌گاه کارهای تحقیقی، سودمند و موجب پیشرفت نخواهد شد.

پرهیز از سطحی‌نگری: بدیهی است پیشرفت علم، همیشه با تلاش افراد سخت‌کوش و خستگی‌ناپذیر و کنج‌کاو و ژرف‌نگر حاصل شده و خواهد شد و هیچ‌گاه هیچ فرد یا جامعه‌ای با سطحی‌نگری و تبلی و راحت‌طلبی به جایی نرسیده و نخواهد رسید. سیره عالمان سخت‌کوش و مجتهدان مجاهد و فقیهان و فیلسوفان و عارفانی که زندگی ساده و زاهدانه را برگزیده بودند تا بیشتر بتوانند به تحقیقات علمی بپردازند، سرمشق خوبی برای دانش‌پژوهان ما می‌باشد.

آزاداندیشی و پرهیز از تقلید: مطلب دیگری که در تحقیقات علمی لازم است، آزاداندیشی و پرهیز از تقلید و دنباله‌روی بی‌دلیل و بی‌منطق است؛ چیزی که آفت بزرگی برای پیشرفت علمی محسوب می‌شود و نهال بالنده دانش را در تنگنای کانال ساختگی، خفه می‌کند و می‌خشکاند. زیان این کار، نه تنها دامن‌گیر کسانی می‌شود که خود را در قالب‌های تحمیلی، محبوس و محصور کرده‌اند، بلکه موجب بدگمانی و بدبینی دیگران نسبت به حقایق و معارف و احکام و قوانین اسلام نیز می‌شود. البته باید توجه داشت که آزاداندیشی و رهایی از قیود تقلید و تعصب، به معنای تجویز بدعت‌گزارها و نشر افکار التقاطی و تفسیرهای ساختگی و دلخواه از کتاب و سنت نیست. بدیهی است که خطر این انحرافات و کژاندیشی‌ها به هیچ وجه، کمتر از خطر تعصب و تحجر نمی‌باشد. یافتن راه میانه و مستقیم در میان خطوط افراطی و تفریطی، کار دشواری است که تنها با اعتدال سلیقه و تلاش مخلصانه و تقوای علمی و استمداد از توفیقات الهی، می‌توان بدان دست یافت.

تخصّصی کردن علوم: با توجه به گسترش علوم و مسایل مطروحه در فقه و ابواب متعدّد کتاب و سنت، ممکن است فقها نتوانند در تمام ابواب فقه دقیقاً اجتهاد کنند؛ لذا یکی از نظریات مطرح شده در این زمینه، این است که بهتر است که ابواب فقه نیز تقسیم شود و هر فقیه‌ی در یک قسمت، متخصص شود. مقلدان نیز در هر یک از بخش‌های احکام؛ اعم از عبادات، معاملات و... از هر مرجعی که صلاح بدانند، تقلید می‌کنند. این امر، موجب می‌شود که مراجع در زمینه تحقیقی خود، دقت کافی داشته باشند. برای آن که همه بتوانند به معارف گسترده و عمیق اسلام، آگاهی کافی پیدا کنند، معقول‌ترین راه، این است که محققان در رشته‌های متعدّد علوم اسلامی به‌طور تخصّصی، به تحقیق بپردازند و حاصل کار خود را در دسترس دیگران قرار دهند [...] بنابراین، تخصّصی شدن معارف اسلامی، ضروری است و بقای اسلام و ارزش‌های الهی به تخصّصی شدن معارف دینی، بستگی دارد (مباحثی درباره حوزه، (109-120: 1392).